**چكيده**

**مطلع شديم جناب آقاى دكتر ايرج توتونچيان سفرى سه ماهه به كشور عربستان سعودى داشته‏اند و با مراكز علمى آن سامان به گفتگو نشسته‏اند. موقعيت را مغتنم شمرده و براى اطلاع از دستاوردهاى علمى اين سفر به حضور ايشان رسيديم. مباحثى را با ايشان در ميان گذاشتيم و با برخوردى صميمانه به سؤالات ما پاسخ گفتند. آنچه در پى مى‏آيد نتيجه اين گفتگو است. عناوين مورد توجه در اين مصاحبه عبارتند از: - آخرين دستاوردها و پژوهشهاى اقتصاد اسلامى در عربستان - ابعاد اختلاف صاحبنظران اقتصاد اسلامى از نظر اختلافهاى مذهبى و غير آن - سطح آموزش كلاسيك و منظم رشته اقتصاد اسلامى در كشور عربستان سعودى - تفاوت سطح پژوهشهاى اقتصاد اسلامى عربستان و ايران - ابعاد تاثير تحقيقات اقتصاد اسلامى در اقتصاد عربستان - تحقيقات بانكدارى بدون ربا و مشكلات و راه حلهاى آن - راههاى گسترش ارتباط در زمينه پژوهشهاى اقتصاد اسلامى يا ديگر مراكز علمى خارج كشور**

**نامه مفيد: جناب آقاى دكتر بسيار خرسند مى‏شويم كه مهمترين دستاوردهاى سفر به مراكز علمى عربستان را بدانيم.**

**جواب: با دعوت بانك توسعه اسلامى، براى مدت 3 ماه به عربستان رفتم اما از نظر كيفيت و استفاده از امكانات علمى آن جا بهره‏هاى زيادى بردم كه در چند محور خلاصه مى‏شود:**

**1 - در درجه اول با شخصيتهاى علمى بانك توسعه اسلامى و دانشگاه ملك عبدالعزيز بيشتر آشنا شدم، چون طى 13 سال گذشته در سمينارهاى مختلف آشنايى اجمالى داشته‏ام و اين سفر براى نشستهاى خصوصى و علمى و مبادله دستاوردهاى تحقيقى و علمى فرصت مناسبى بود.**

**2 - قانون عمليات بانكدارى بدون ربا كه در سال 1362 در ايران تصويب شد كه يكى دو مقاله را اين جانب در جنبه‏هاى مختلف اين قانون و مساله بانكدارى بدون ربا انجام دادم و پس از آن به طور مشخص به بانكدارى اسلامى پرداخته‏ام كه در آنجا ثمره تحقيقهاى اين مدت كتبا و يا در سمينارهاى مختلف ارايه گرديد.**

**3 - از جنبه‏هاى مثبت اين سفر اينكه احساس كردم اختلاف نظرهاى اعتقادى و مانند آن مانع آزاد انديشى صاحبنظران اقتصادى عربستان نشده است. من از مشاور مدير عامل بانك توسعه اسلامى تعجب كردم و خيلى هم خوشحال شدم ايشان - كه در سالهاى 77-1976 رييس دانشگاه ملك عبدالعزيز بودند و اكنون مؤسس مركز تحقيقات اقتصاد اسلامى در آن دانشگاه هستند - كتاب «اقتصاد ما» نوشته شهيد صدر را در همان سالها براى درس اقتصاد اسلامى انتخاب كرده‏اند و هر دو جلد كتاب «اقتصاد ما» هنوز مورد استفاده دانشجويان آن دانشگاه است. به هرحال براى من خيلى جالب است كه فردى از عربستان با توجه به اختلافاتى كه وجود دارد اين قدر جسارت داشته كه چنين كارى انجام دهد. به همين مناسبت‏خاطره‏اى را اضافه كنم كه در آنجا با يك فرد انگليسى و استاد دانشگاههاى انگلستان آشنا شدم كه علاقه‏مند به اقتصاد اسلامى بود و همزمان با اقامت من، دو هفته به آن جا آمده بود و بنابراين بود كه دو هفته ديگر مجددا به آنجا سفر كند. ايشان در مدت اقامت‏خود مقاله‏اى در ويژگيهاى كتاب اقتصادنا (شهيد صدر) ارايه دادند. البته اين نشانه پر محتوا و آموزنده بودن اين كتاب بزرگ است كه همواره مورد استفاده صاحبنظران سطح اول قرار دارد.**

**مورد ديگر اينكه اعضاى هيات علمى دانشگاه ملك عبدالعزيز در مركز تحقيقات اقتصاد اسلامى چهارشنبه‏ها ميزگردى داشتند و از ما هم دعوت شده بود، يكى از آقايان كه غالبا مرا از بانك توسعه اسلامى به دانشگاه مى‏بردند، سؤالهاى متعددى مطرح مى‏كرد و بحث مى‏شد. يكى از سؤالات ايشان از كتابهاى مرحوم طالقانى و شهيد دكتر بهشتى بود. البته كتاب مرحوم طالقانى ترجمه شده بود و آنجا بود. من هم شهيد مطهرى را معرفى كردم و او مى‏پرسيد ايشان هم روحانى هستند، به هرحال اينها براى من خيلى آموزنده بود.**

**4 - كشور ما متاسفانه آنچنان كه شايسته انقلاب اسلامى است، در برگزارى سمينارهاى اقتصاد اسلامى، بخصوص همايشهاى بين‏المللى بانكدارى اسلامى موفق نبوده است. آنها انتظار داشتند كه دستاوردهاى زيادى داشته باشيم و ارايه دهيم و همواره آماده بوده و هستند كه در برگزارى همايشها با ما همكارى داشته باشند.**

**ما در گمنامى شديدى به سر مى‏بريم و از دو منبع بزرگ تحقيقات اقتصاد اسلامى دور هستيم. آنها هيچ اطلاعى از تحقيقات اقتصاد اسلامى در كشور ما ندارند. همگان به اتفاق انتظار داشتند درباره شرايط اقتصادى - اجتماعى كشور و بخصوص در زمينه اقتصاد اسلامى مطالبى به زبان انگليسى يا عربى عرضه شود. آنان آمادگى دارشتند مقاله‏هاى عربى را عرضه و چاپ كنند. ايشان به حدى علاقه‏مند بودند كه حاضر بود مقاله‏هاى فارسى را توسط دانشجويان افغانى دانشگاه ترجمه كرده و استفاده كنند.**

**به هرحال تصور مى‏كنم اگر ما يك زمانى موفق شويم، مركز پژوهشهاى اقتصاد اسلامى داير كنيم، مى‏توانيم ارتباط تنگاتنگ و قوى، براى مبادله اطلاعات و حتى دانشجو و بلكه در تمام سطوح فرهنگى داشته باشيم.**

**5 - آخرين مطلب اين بود كه به جهت استفاده از تحقيقات گسترده‏شان كه با سرمايه‏گذاريهاى عمده و در كشورهاى متعدد انجام مى‏شود و متخصصهاى فراوانى را گرد آورده‏اند، نامه‏اى به رييس مؤسسه تحقيقات اقتصاد اسلامى و رييس مركز تحقيقات اقتصاد اسلامى نوشتم و از آنان درخواست كردم، نشريات خود را براى سازمانهاى پژوهشى - آموزشى ما ارسال دارند و آن را جزء مشتركين خود قرار دهند، و طى فهرستى اسم دانشگاهها و مؤسسه‏هاى تحقيقاتى از جمله دانشگاه مفيد را دادم. كه از اين پيشنهاد استقبال شد و تا آنجا كه اطلاع دارم اين نشريات براى بعضى فرستاده شده است.**

**بلكه اضافه كردم براى دانشگاه مفيد(ره) و امام صادق (عليه السلام) علاوه بر مطالب انگليسى مى‏توانند نوشته‏هاى عربى را هم بفرستند.**

**نامه مفيد: به نظر جنابعالى آخرين تحقيقات يا پيشرفت پژوهشهاى اقتصاد اسلامى در مراكز علمى عربستان چيست؟**

**جواب: همچنان كه در بيشتر كشورهاى دنيا رواج دارد، تحقيقات تابع علاقه محقق است. در عربستان هم اين چنين است و دانشگاه يا مركز تحقيقات موضوع خاصى را توصيه نمى‏كند، اما سمينارهايى كه تشكيل مى‏شود و بحث اصلى تعيين مى‏گردد، مقاله‏هاى اساتيد بر محور يك موضوع دور مى‏زند. بنابراين تعيين يك يا چند موضوع و محور پژوهشى چندان دقيق نيست. اما شايد بتوان ادعا كرد آنجا دو موضوع بيشتر مورد نظر است.**

**1 - بانكدارى امرى تجربى است و مؤسسه‏هاى پژوهشى وجود دارد كه تجربيات بانكهاى ربوى را جمع‏آورى و تجزيه و تحليل مى‏كنند. در عربستان نياز به چنين مؤسسه‏اى براى بانكدارى بدون ربا از طرف هر دو مركز احساس مى‏گرديد. اما بانكهاى غير ربوى در كشورهاى اسلامى آماده ارايه اطلاعات لازم نبودند، به عبارت ديگر آنها سعى دارند بين بانكها كانال مبادله اطلاعات برقرار كنند و تجربه عمليات بانكى بدون ربا را عمق و گسترش دهند. اما متاسفانه بانكها اطلاعات دقيق را نمى‏دهند و بيشتر فرمهايى هم كه براى جمع‏آورى اطلاعات مى‏فرستند يا بر گردانده نمى‏شود و يا بعضى از موضوعات را جواب نمى‏دهند.**

**2 - موضوع ديگرى كه پيش از اين نيز مورد تحقيق ايشان بوده و به نظر مى‏آيد اكنون نيز مورد دل مشغولى آنان است. موضوع بورس اوراق بهادار است كه چگونه مى‏توان بورس اوراق را با مبانى اسلامى تطبيق داد و در كشورهاى اسلامى استفاده كرد؟ چون بسيارى از مسلمانان تمايل دارند كه پولهاى خود را در مراكز غير ربوى سرمايه‏گذارى كنند.**

**اگر اين تحقيق به نتيجه برسد و با كليه ضوابط و موازين شرع منطبق باشد، پس‏اندازهاى زيادى را در هت‏سرمايه‏گذارى به جريان مى‏اندازد.**

**نامه مفيد: همانطور كه مى‏دانيد اختلاف صاحب نظران، بخصوص در علوم اقتصادى امرى طبيعى است. حال آيا پژوهشگران اقتصاد اسلامى در عربستان درباره نظام اقتصادى اسلام از نظر مبانى - اهداف - مسايل - شيوه پژوهش و مانند اينها، اختلاف نظر دارند؟ اين اختلاف نظر بيشتر در چه زمينه‏هايى است؟**

**جواب: بين ما و ايشان اختلاف زيادى نيست. گمان مى‏كنم اختلاف بيشتر مربوط به مسايل غير اقتصادى باشد. من نيز درباره نمازخواندن و عبادتم مورد سؤال قرار گرفتم، اما در مسايل اقتصادى احساس مى‏كنم فصل مشترك گسترده‏اى هست زيرا امامان چهارگانه اهل تسنن از شاگردان امام صادق عليه السلام بوده و مبانى و اصول را از آن حضرت عليه السلام فرا گرفته‏اند. لذا بحث عدالت و توزيع درآمد نزد آنان نيز روشن و پذيرفته بود. بانكدارى اسلامى نيز مورد توافق بود البته در بعضى جزييات مانند سفته بازى اختلاف نظر بود. البته بين ايشان هم اختلاف نظر بود همچنانكه اينجا بين همكاران دانشگاهيمان نيز اختلاف نظر هست.**

**البته تنها اختلاقى كه در مسايل اقتصادى بين شيعه و سنى مى‏شناسيم، خمس است، كه آنها بر زكات تمركز دارند و ما علاوه بر زكات، خمس را نيز واجب مى‏دانيم.**

**من فكر مى‏كنم فصل مشترك ما خيلى بيشتر از وجوه اختلاف است، و اين زمينه مناسب براى همكارى و همفكرى متقابل را فراهم مى‏كند.**

**من از نزديك علاقمندى آنان را ديدم، اگر چه همه نظرات من مورد تاييد ايشان نبود، و حتى عكس العمل شديدى هم ايجاد مى‏كرد، اما با اشتياق سخن را مى‏شنيدند. بديهى است كه اين بحثها لازمه پيشرفت علم است. بدون اختلاف نظر و نقد، علم هم پيشرفت نمى‏كند.**

**نامه مفيد: يكى از نشانه‏هاى پيشرفت مطلوب در هر علم وجود تحصيلات منظم و كلاسيك مربوط به آن است. آيا در مدت حضور در عربستان به تحصيلات كلاسيك و منظم در اقتصاد اسلامى برخورد كرديد؟ آيا رشته دانشگاهى به آن اختصاص دارد؟ در كدام دانشگاه و در چه مقطعى؟**

**جواب: در دانشگاه ملك عبدالعزيز تحصيلات منظم و كلاسيك در رشته اقتصاد اسلامى وجود دارد كه منابع علمى آن از مركز تحقيقات اقتصاد اسلامى تهيه مى‏شود، پژوهشگران مركز تحقيقات خود در مقطع دكترى مشغول تحصيل مى‏باشند كه مجموعه تحقيقات ايشان كتابخانه‏اى را تشكيل مى‏دهد و من چند روزى در آن كتابخانه اين تحقيقات را ملاحظه كردم و تحقيقهاى دقيق و جالب توجهى انجام شده بود.**

**علاوه بر اين بانك توسعه اسلامى و مركز تحقيقات اقتصاد اسلامى دانشگاه ملك عبدالعزيز همايشهاى منظمى را در كشورهاى مختلف برگزار و درسهايى را درباره اقتصاد اسلامى مطرح مى‏كنند. مثلا پيش از بازگشت از عربستان مشاهده كردم در حال تنظيم برنامه‏اى هستند براى برگزارى دوره‏اى در واشنگتن درباره بانكدارى اسلامى كه يك نفر از بانك توسعه اسلامى همراه چند نفر از دانشگاههاى كشورهاى ديگر به آنجا اعزام شوند.**

**دانشگاه «لاپر بورد» از انگلستان با عربستان قراردادى منعقد كرده است كه در آنجا مدرك تحصيلى در اقتصاد اسلامى در مقطع‏هاى كارشناسى ارشد و دكترى مى‏دهند.**

**دقت كنيد چقدر نسبت‏به احداث اين مراكز و تقويت آنها و سرمايه‏گذارى و جدى بودن مصمم هستند كه بانك توسعه اسلامى جايزه‏اى را سالانه به طور متناوب يك سال به اقتصاد اسلامى و يك سال به بانكدارى اسلامى اختصاص داده است، جايزه‏اى معادل تقريبا 000،40 دلار كه يكى از آقايان جايزه 000،30 دلارى برده است.**

**اما در كشور ما با داعيه انقلاب اسلامى، موضوع اقتصاد اسلامى از نظر تحصيل، تحقيق و عمل چگونه است؟!! در دانشگاهها تنها دانشگاه مفيد (ره) و امام صادق‏عليه السلام به اقتصاد اسلامى گرايش دارد كه مدرك تخصصى در اين زمينه نمى‏دهند و يا در سطح كارشناسى يك درس اختيارى به نام بانكدارى اسلامى وجود دارد كه اغلب برگزار نمى‏شود، و در سطح كارشناسى ارشد درس موضوعات انتخابى در اقتصاد اسلامى هست كه به زمينه تحقيقات و جدى بودن استاد بستگى دارد. حتى اگر رساله كارشناسى ارشد يا دكترى درباره اقتصاد اسلامى انجام پذيرد، مرتب اين سؤال مطرح مى‏شود كه نتيجه اين تحقيق در اين مملكت‏به چه كارى مى‏آيد؟!!**

**لذا در همايش سازمان برنامه و بودجه درباره برنامه سوم مى‏بينيم على رغم اينكه مجرى همايش هم گفت: قانون اساسى اقتصاد اسلامى را سرلوحه همه برنامه‏ها اعلام كرده است، از ميان 68 مقاله ارايه شده در اين همايش ملى حتى نام اقتصاد اسلامى هم برده نشد و اين در حالى است كه بعضى از بانكهاى آمريكا پولى را به دانشگاه هاروارد داده‏اند كه درباره بانكدارى اسلامى تحقيق كند. يا در كشورهاى اروپايى 3 يا 4 بانك اسلامى وجود دارد، بخصوص در آلمان بانكدارى اسلامى را مفيد يافته‏اند و در پى رفع مشكلات حقوقى آن هستند.**

**نامه مفيد: ديدگاه مراكز علمى عربستان‏پيرامون علم اقتصاد اسلامى چيست؟**

**جواب: اغلب آقايانى را كه من ديدم در نوشته‏هايشان هم از كتاب اقتصادنا استفاده مى‏كنند و هم مى‏گويند ما مكتب اقتصاد اسلامى داريم و بر اساس دستورات آن، مى‏توان الگوى اقتصاد اسلامى ساخت. اما نسبت‏به علم اقتصاد اسلامى مطلبى نشنيدم و من هم موافق نيستم.**

**آنچه به نام علم اقتصاد وجود دارد و غربيها بيش از 200 سال در اين زمينه تحقيق كرده‏اند، بايد گفت: طبقه‏بنديهايى كه انجام داده‏اند خوب است.**

**مثلا در بحث مصرف كننده، در علم اقتصاد موضوعهاى متنوعى پوشش داده مى‏شود و نظريه‏هاى مصرف مطرح مى‏شود، اما يك مصرف كننده مسلمان از نظر نوع درآمد، نوع كالا و ميزان مصرف، ضابطه دارد. ما مى‏توانيم تمام اين مطالب را در بحث مصرف كننده پوشش دهيم.**

**در بحث‏سرمايه‏گذارى; اگر كلاسيكها و كينزين ها سرمايه‏گذارى را تابع بهره مى‏دانند، در اسلام بهره تحريم شده است. بنابراين ما سرمايه‏گذارى را تابع عامل ديگرى مانند نرخ سود مى‏دانيم، ولى به هرحال بحث از سرمايه‏گذارى است كه بحث درباره آن در علم اقتصاد امرى لازم و ضرورى است.**

**موضوع سوم كه مى‏توان مثال زد حجم دولت است.**

**ميزان فعاليت‏بخش خصوصى در مقايسه با بخش دولتى در هر دو مكتب اقتصاد اسلامى و سرمايه‏گذارى قابل بحث است، در اسلام، بخش دولتى به عنوان يك سازمان مالياتى، پذيرفته شده است، اما نسبت‏به آموزش و بهداشت مثلا تاكيد فراوان شده است. بنابراين بايد جزء هزينه‏هاى زير بنايى اوليه شمرده شود در حالى كه اقتصاد سرمايه‏دارى برداشت ديگرى از آنها دارد.**

**شايد مهمترين مورد اختلاف، بانكدارى باشد ما هم به بانك نياز داريم. نهادى بايد باشد كه پس اندازها را جمع آورى كند و در بخش سرمايه‏گذارى هزينه كند، اين يك اصل مسلم است. اما عملكردها در دو اقتصاد متفاوت است. ما بايد در بانكها آنگونه عمل كنيم كه احتمال ربا هم نرود.**

**من از آقايان هم مطلبى غير از اين نديدم، البته نظريه‏هاى خوب فراوان‏اند و اين به معناى اتفاق نظر نسبت‏به جزءجزء اين مطالب نيست و حتى اين نظر را نداشتند كه بانك ما الزاما بايد شبيه بانك سرمايه‏دارى باشد چون در آن صورت بحثى از اقتصاد اسلامى نبايد طرح كرد. اما در علم اقتصاد اسلامى اين اتفاق نظر بود و شايد منشا آن كتاب پايه‏اى و اصلى يعنى اقتصادنا باشد كه مورد استفاده همه ماست.**

**نامه مفيد: مرحوم شهيد صدر(ره) تعبيرى دارد كه با تعيين الگوها و كردارهاى عملى مسلمين شايد بتوان علم اقتصاد اسلامى داشت.**

**جواب: من تصور مى‏كنم اين تعبير درست است كه علم اقتصاد اسلامى نمى‏توانيم داشته باشيم، ولى الگوى اقتصاد اسلامى ممكن است. اين دو با هم متفاوت‏اند. ما سه كارگزار داريم:**

**1 - دولت 2 - سرمايه‏گذاران 3 - مصرف كنندگان.**

**اين سه عامل در اقتصاد اسلامى و اقتصاد سرمايه‏دارى تفاوت نمى‏كند. به هرحال ادعا اين است كه طبقه‏بندى علم اقتصاد اسلامى انجام شده است.**

**نامه مفيد: در حد طبقه‏بندى قابل قبول است. اما ممكن است در علم اقتصاد اسلامى نهادهاى ديگرى بر آن اضافه گردد.**

**جواب: اين اشكالى ندارد و ممكن است موقوفات را هم مثال زد، اما اين هم جزء فعاليتهاى بخش خصوصى و دولتى شمرده مى‏شود و اين تغييرات جزيى موجب پيدايش علم اقتصاد جديد نمى‏شود، بلكه بايد گفت، با تغيير شيوه زندگى، مدل‏هاى اقتصادى تغيير مى‏يابند. و نهادهاى اقتصادى، به تناسب اهداف و مدل‏ها تعيين مى‏گردند. بنابراين با تغيير مدل و اهداف، نهادها نيز مى‏توانند تغيير يابند. به عنوان مثال، عملكرد بانكدارى اسلامى با بانكدارى سرمايه‏دارى كاملا متفاوت است. لذا مى‏توان نام آن را تغيير داد. در بانكدارى اسلامى، روشها، فرمها، نوع حسابدارى و حتى ريسك پذيرى سپرده‏گذاران تفاوت مى‏كند، پس تشكيلات را مى‏توان تغيير داد و مهمتر از همه اينكه بانك از مؤسسه پولى تبديل به مؤسسه مالى مى‏شود و از اين جهت ماهيت‏بانكهاى ربوى زير سؤال مى‏رود، اما اينكه نهادى منابع را تجهيز كند و سرمايه‏گذارى انجام دهد مورد نياز ما نيز هست.**

**بنابراين تغيير نهادها موجب تغيير علم اقتصاد نمى‏گردد.**

**نامه مفيد: تفاوت سطح پژوهشهاى اقتصاد اسلامى در ايران و عربستان چيست؟ و دليل آن كدام است؟**

**جواب: با كمال تاسف سطح پژوهشها بسيار متفاوت است. اين موضوع از سازمانهاى پژوهشى در اقتصاد اسلامى بخوبى پيداست. چون چنين پژوهشهايى نياز به سرمايه‏گذارى گسترده دارد، بنابراين حمايت دولت نيازمند است، اگر چه مركز تحقيقات اقتصاد اسلامى در دانشگاه ملك عبدالعزيز را يكى از ثروتمندان عربستان تامين مى‏كند، اما به هرحال حمايت دولت وجود داشته تا ايشان بتواند اين چنين كمك كند. بانك توسعه اسلامى در سالهاى قبل از انقلاب اسلامى ايران تاسيس شده است و اين نيز حكايت از ابعاد حمايت دولت در اين زمينه‏ها مى‏كند.**

**نكته ديگر اينكه در جذب متخصصان به اقتصاد اسلامى بسيار جدى و كوشا هستند. ايشان اگر طرح مسائل اقتصادى اسلامى را از مسايل اقتصاد سرمايه‏دارى مهمتر ندانند، كمتر نيز نمى‏دانند. بديهى است‏حمايت عملى مسؤولان به هر دليل كه باشد از مهمترين عوامل برانگيختن انگيزه‏ها است. به همين مناسبت‏يك نمونه را بگويم:**

**يكى از دوستان مى‏گفتند تلويزيون مراكش در ماه مبارك رمضان گذشته براى بعد از افطار برنامه‏اى پخش مى‏كرد، موضوع برنامه بحثهايى از اقتصاد اسلامى بود كه از اقتصاددانان مسلمان دعوت شده و به گفتگو مى‏پرداختند.**

**نكته جالب توجه اين است كه اين گفتگوها در حضور ملك حسن پادشاه مراكش انجام مى‏شده است. اين مطلب را كه شنيدم پرسيدم آيا ايشان از اقتصاد اسلامى آگاهى دارد و يا به منظور ديگرى شركت مى‏كرده است؟ دوست ما گفتند: آقاى ملك حسن به اندازه‏اى بر مطلب اشراف داشت كه گاهى اشكال و ايراد هم مى‏كرد.**

**موردى را كه خودم ديدم بيان كنم:**

**در يك همايش بين المللى در ژنو شركت كرده بودم، متوجه شدم يك بانك اسلامى آنجا تاسيس شده است. مدير عامل اين بانك مى‏گفت: من در جلسه‏هاى مباحث فقهى شركت مى‏كنم و نظر مى‏دهم. اينها محصول حمايت دولتها است. در حالى كه اينجا تاكيد بر اقتصاد اسلامى يك هزارم تاكيد بر اقتصاد سرمايه‏دارى هم نيست. هر كس كارى انجام داده بر اساس علاقه شخصى بوده است.**

**در مقابل به كشورى مثل بنگلادش توجه كنيد كه از نظر اقتصادى و درآمد سرانه بسيار ضعيف است و بودجه سرانه‏اى تحقيقات بسيار ناچيز دارد، اما امكانات تقريبا قابل ملاحظه‏اى براى اقتصاد اسلامى تخصيص داده است. كويت، امارات، مصر، اردن، سوريه، نيجريه، پاكستان و حتى هندوستان و تركيه در اين موضوع فعال هستند. اين فعاليتها بدون حمايت دولت انجام نمى‏شود. به هرحال اين وضعيت موجب تعجب و بلكه تاسف فراوان است.**

**نامه مفيد: با توجه به پژوهشهاى گسترده درباره اقتصاد اسلامى در مراكز علمى عربستان; اين تئورى‏ها تا چه اندازه از جنبه نظرى به جنبه عملى نزديك شده‏اند، در چه زمينه‏هايى بيشتر موفق بوده‏اند، بخصوص در بانكدارى اسلامى چگونه عمل كرده‏اند؟**

**جواب: ديگر كشورهاى اسلامى بانك اسلامى تاسيس كرده‏اند و ضوابط اسلامى را بر اساس فقه خودشان رعايت مى‏كنند. در زمينه فعاليتهاى پولى و بانكى تحقيقات ارزنده‏اى انجام داده‏اند مثلا در بعضى از كشورهاى اسلامى مانند امارات و غيره بورس اوراق بهادار اسلامى شكل عملى به خود گرفته است.**

**اما متاسفانه كشور عربستان تا كنون اجازه تاسيس بانك اسلامى در كشور خود را نداده است و بسيارى اميدوار هستند كه در آينده‏اى نه چندان دور عربستان هم اين مجوز را بدهد.**

**شايد علت عمده مناسبات عربستان با ديگر كشورهاست كه احتمال مى‏دهند اين مناسبات دچار اختلال شود و يا اينكه سطح تحقيقات و تجربيات را كافى نمى‏دانند. البته پيشنهاد ما در آنجا براى عربستان و ديگر كشورها اين بود كه حداقل يك بانك و يا باجه‏هايى را در بانكهاى مختلف تاسيس كنند كه فعاليتهاى بانكى را بر اساس موازين اسلامى و شرعى انجام بدهد و اينچنين زمينه گسترش و تعميم آن به همه جامعه را فراهم آورند.**

**نامه مفيد: به نظر شما تفاوتهاى فكرى تشيع و تسنن، در مطالعات اقتصاد اسلامى چه مقدارى مى‏تواند مؤثر باشد و وجه تمايزها چيست؟**

**جواب: چنانچه گذشت اگرچه در زمينه‏هاى اعتقادى و رفتار اجتماعى اختلاف نظر هست كه در بعضى موارد از من هم سؤال مى‏شد. اما در مسايل اقتصاد اسلامى بجز خمس و بعضى مسايل جزيى اختلاف نظر فاحشى نديدم مثلا هرگاه ناپسند و بلكه حرام بودن احتكار را مطرح مى‏كردم آنها حديثى مى‏آوردند كه از شدت حساسيت‏بكاهند. ممكن است فاصله و تفاوت به اين مقدار باشد. اما تا هنگامى كه روابط و گفت و شنودها افزايش نيابد، به جاى آراى علمى، عدم اعتماد و بدبينى گسترش مى‏يابد.**

**چنانچه خداوند توفيق اين سفر را نمى‏داد، امكان همفكرى را به اين حد نمى‏يافتم: من مسايل را بر اساس مصالح اجتماعى و يا منطق اقتصادى بيان مى‏كردم و اشكالات را هم جواب مى‏دادم تفاهم متقابل را نيز احساس مى‏كردم. گمان نمى‏كنم كارهايى كه آقايان انجام داده‏اند، به دليل مبانى فقهى امتيازى بر ما داشته باشد و يا برعكس. به هرحال فكر مى‏كنم اختلاف در مبانى اقتصادى بسيار ناچيز است.**

**نامه مفيد: از ديدگاه شما مطالعات بانكدارى اسلامى در عربستان براى حل مشكلات بانكدارى بدون ربا در ايران چه اندازه مى‏تواند مفيد و سودمند باشد؟**

**جواب: آنها كه فقط بحثهاى نظرى بانكدارى اسلامى را انجام داده‏اند اگرچه كارهاى ارزشمندى است اما همواره مشكلاتى را به همراه دارد. مثلا آقاى دكتر نجات ا... صديقى كه اولين كتاب را درباره بانكدارى اسلامى، مطابق آراى اهل تسنن در 30 سال قبل نوشته است، از پيشگامان اين حركت‏شمرده مى‏شود. اما اشكال‏هايى داشتم كه با ايشان هم مطرح كردم و ايشان اصرار هم نداشتند كه الزاما همان مطالب بايد عمل شود. مثلا ايشان مضاربه را در خيلى از معاملات جارى مى‏دانند در حاليكه اولا: مضاربه اختصاص به تجارت دارد. ثانيا: اساس بانكدارى اسلامى مبتنى بر سود و زيان است، در حالى كه در مضاربه در زيان نمى‏توان شريك شد و اين محدوديت مهمى در مضاربه است و مانع انعطاف پذيرى آن مى‏شود.**

**اما كسانى كه در ارتباط با بانك توسعه اسلامى هستند و از بانكهاى اسلامى و مؤسسات اعتبارى و مالى اسلامى در كشورهاى اسلامى به آنها اطلاعات مى‏رسد، تجربيات و نظرات سازنده و مفيدى داشتند. حتى در پيشنهادهاى قانون عمليات بانكى بدون ربا يك يا دو مورد را از ايشان استفاده كردم.**

**به هرحال اين افراد را به دليل مشاركت در كنفرانسها و همايشهاى متعدد و تجربيات مختلف داراى آمادگى بيشتر و ذهن بازتر يافتم. از اين نظر وجودشان كمك شايانى به رفع بعضى از انحرافها مى‏كند.**

**نامه مفيد: دليل و يا علل اساسى بى مهرى نسبت‏به عمليات بانكى بدون ربا را در چه مى‏دانيد؟**

**جواب: سؤال بسيار خوبى است. درباره اين مطلب بصراحت‏بگويم**

**اول: ضعف اعتقاد به اصل بانكدارى اسلامى است اگر نگوييم فقدان اعتقاد به آن است. اشخاصى كه مسؤولان رده اول اين موضوع هستند، احتمالا فرصت مطالعه و دريافت منطق قوى آن را نداشته‏اند.**

**اگر بانكدارى اسلامى پياده مى‏شد، مطمئنا مانع به وجود آمدن بسيارى از مشكلات مى‏شد كه اكنون دست‏به گريبان آن هستيم.**

**دوم: آموزش بانكدارها اولا از نظر زمانى بسيار كوتاه بود. ثانيا آموزش دهندگان شايستگى تدريس را نداشتند و افكار را به انحراف كشيدند.**

**سوم: هنگام تدوين آيين‏نامه‏هاى اين قانون پيش‏بينى مى‏كرديم سازمان و تشكيلات بانكهاى ربوى توانايى انجام عمليات بانكى بدون ربا را ندارند. ما در آن زمان در مراحل مختلف تدوين و در جاهاى مختلف از دلايل منطقى و اقتصادى اين قانون دفاع كرديم و قرار بر اين بود كه پس از تدوين آيين‏نامه‏ها ديگر متخصصان ادامه كار را به عهده گيرند، اما متاسفانه چنين نشد.**

**چهارم: ضعف در بسيارى از زمينه‏ها موجب عدم موفقيت عمليات بانكى بدون ربا شده است مانند روش حسابدارى، تحقيقات و مراكز تحقيقاتى و همايشهاى مكرر براى تبادل اطلاعات و تجربيات.**

**پنجم: عموم مردم ما از اين قانون اطلاع ندارند. يعنى علاوه بر اينكه آموزش تخصصى براى كارگزاران بانكى لازم است، آموزش به زبان ساده و براى عموم مردم نيز انجام نمى‏گيرد.**

**ششم: نهادهاى موظف به پيگيرى عملكرد بانكها اين وظيفه را بخوبى انجام نمى‏دهند. مجلس، رئيس جمهور و سازمان بازرسى كل كشور موظف هستند نسبت‏به اجراى آن پيگيرى كنند و وزير اقتصاد و دارايى و ديگر مسؤولان بايد پاسخگو باشند. نظارت و كنترل در قانون بانكدارى بدون ربا از جنبه‏هاى گوناگون پيش‏بينى شده است. الگوهاى غربى نيز همراه با نظارت و كنترل است و در غرب همواره اعمال مى‏شود. اما متاسفانه ما نظارت و كنترل نداريم. حتى در طرح ساماندهى رئيس جمهور جناب آقاى خاتمى سه بند آن به اجراى دقيق بانكدارى بدون ربا اختصاص يافته است و طى آن بانك مركزى موظف گرديده است كه در مدت يك ماه آيين‏نامه مركزى براى پياده شدن اين قانون را تدوين كند كه هنوز انجام نشده است.**

**هفتم: بانكدارى بدون ربا بانكدارى تخصصى است. در بانكدارى ربوى در برابر وثيقه، وام پرداخت مى‏شود، مساله فقط وام دادن و وام گرفتن در برابر وثيقه و ضمانت مالى است و هر زمان كه بخواهيد مى‏توانيد آن را بفروشيد و دين خود را وصول كنيد. اما بانكدارى بدون ربا مديريت مالى و مديريت‏سرمايه را مطرح مى‏كند. كارشناسها مى‏بايست‏با اين ابزار آشنا گردند، و اين به تخصص نياز دارد. اما سطح علمى در بانكها پايين است. مثلا سطح تحصيلات يكى از بانكها را بررسى كردم، از ميان 17 هزار پرسنل تنها 400 الى 500 نفر آنها داراى مدرك كارشناسى و كارشناسى ارشد بودند و 12 هزار نفر آنها ديپلمه و بقيه پايين‏تر از آن بودند. مى‏بينيد از اين مجموعه نمى‏توان انتظارى داشت.**

**لذا مى‏بينيد فروش اقساطى كه نزديكترين عمليات به نظام ربوى است، بخش اعظم تسهيلات بانكى را به خود اختصاص داده است. با اينكه بر اساس بعضى مطالعات اسلامى احتمال ربوى بودن آن مى‏رود و مى‏گويند تا آنجا كه ممكن است اين چنين معامله نكنيد.**

**در برابر آن مشاركت‏حقوقى كمترين سهم را دارد و كوچكترين فعاليتى در اين زمينه انجام نمى‏شود. در حالى كه پايه و اساس بانكدارى اسلامى بر مشاركت‏يعنى مشاركت در سود و زيان استوار است.**

**اين عوامل موجب گرديده است‏حساسيت‏به رباخوارى با كمال تاسف كاهش يابد و به جاى گرايش به طرف عمل به قانون، از آن فاصله مى‏گيرند و با توجيه‏هايى به ربا روى مى‏آورند. مثلا بعضى پيشنهاد داده‏اند كه سود تضمين شده‏اى برابر با تورم براى سپرده‏ها پرداخت گردد. اين طرح در اقتصاد اسلامى كاملا نابجا است و اختصاص به اقتصاد سرمايه‏دارى دارد كه بر ربا و بهره پايه‏گذارى شده است. چون بر اساس نظر «فيشر» نرخ اسمى بهره منهاى نرخ تورم برابر با نرخ واقعى بهره است. اين آقايان مى‏خواهند در بانكدارى اسلامى كه به آن عمل نشده است، بر اساس اين تعاريف عمل كنند و به نتيجه برسند.**

**بنابراين بانكدارى اسلامى در ايران جدى گرفته نشده است و ضعف اعتقادى به اصول و پايه‏هاى بانكدارى اسلامى موجب چنين بى‏مهرى گرديده است. چون طبق قانون، بانكها در برابر وزير اقتصاد و دارايى و ايشان نسبت‏به مجلس و رئيس جمهور بايد پاسخگو باشند. اما تا كنون پيگيرى نشده است، و بالاخره مى‏بايست زمانى اين حساسيتها به وجود آيد. چنانچه در ماههاى اخير شنيده شده كه مقام معظم رهبرى سؤال كرده‏اند، آنچه در مملكت انجام مى‏شود ربوى است‏يا غير ربوى؟ و دستور تحقيق داده‏اند.**

**به هرحال تا كنون اين قانون اجرا نشده است و اميدواريم يك زمانى اجرا شود. گمان مى‏كنم شفافيت فعاليتهاى اقتصادى و انضباط اقتصادى كه مورد تاكيد رهبرى در يكى از پيامهاى نوروزى بود در سايه اجراى قانون بانكدارى اسلامى ممكن مى‏باشد.**

**اجراى دقيق عمليات بانكى بدون ربا، تورم را كنترل مى‏كند، اشتغال‏زا است، درآمد متناسبتر توزيع مى‏شود و كسر بودجه تعديل مى‏گردد.**

**اينها دليلهاى روشنى دارد و من در موقعيتهاى مختلف آنها را بيان كرده‏ام و جوابگو بوده و هستم. اما در اين فرصت كوتاه انجام شدنى نيست.**

**نامه مفيد: براى گسترش رابطه علمى با مراكز علمى عربستان چه راههايى را پيشنهاد مى‏كنيد؟**

**جواب: اساسى‏ترين راه تاسيس يك مؤسسه تحقيقات اقتصاد اسلامى است كه فعاليتهاى درون مرزى و برون مرزى داشته باشد و مسؤوليت آن به افراد شايسته و با انگيزه واگذار گردد و بودجه مناسب نيز در اختيارش باشد.**

**هنگامى كه مركز علمى شناخته شده وجود داشته باشد، ارتباطات به طور طبيعى و روان انجام مى‏گيرد. مكاتبات، اطلاعات و نشريات به سرعت رد و بدل مى‏شود. همانطور كه اين دو مركز موجود در جده ارتباط مرتب و پيوسته با پاكستان، هندوستان، بنگلادش، تركيه، كويت و كشورهاى خليج فارس و بقيه كشورهاى اسلامى دارند، نشريات خود را ارسال مى‏كنند و آنها نيز افتخار مى‏كنند كه در نشريات اين دو مركز مقاله داشته باشند.**

**به طور طبيعى وقتى اين مبادلات علمى انجام شود، ما در مجلات آنها مقاله بنويسيم و بالعكس، در همايشها يكديگر را ملاقات كنيم و حضور داشته باشيم، اين ارتباط بنيادى خواهد شد.**

**نامه مفيد: خيلى متشكريم از اينكه اين فرصت را در اختيار ما گذاشتيد.**